

به نام خداوند جان و خرد

چهار اثر از فلورانس اسکاول شین

مترجم: سمانه فلاح

شاهکاری از:

فلورانس اسکاول شین



انتشارات رادکان

سرشناسه: شین، فلورانس اسکاول، - ۱۹۴۰ م.

Shinn, Florence Scovel

عنوان و نام پدیدآور: چهار اثر از فلورانس اسکاول شین/شاهکاری از فلورانس اسکاول شین: مترجم

سمانه فلاح.

مشخصات نشر: مشهد: رادکان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص: مصور، جدول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۴-۳۶۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The complete writings of Florence Scovel Shinn for women.

موضوع: تفکر نوین

شناسه افزوده: فلاح، سمانه، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۶۳۹/ش ۹ ج ۱۳۹۴ BF

رده بندی دیویی: ۲۹۹/۹۳

شماره کارشناسی ملی: ۳۶۹۴۰۳۵



«چهار اثر از فلورانس اسکاول شین»

- نویسنده: فلورانس اسکاول شین • مترجم: سمانه فلاح • ناشر: انتشارات رادکان
- نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۳۹۴ • تیراژ: ۵۰۰ جلد • طرح جلد: آرزو خسروپور
- قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان • لیتوگرافی: فرانقش • چاپ جلد: ژیک
- چاپ متن: دالاهو • صحافی: صاحب الزمان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۴-۳۶۰

آدرس انتشارات رادکان: مشهد، تلفن: ۰۵۱۳۶۲۱۲۶۶۷ تلفن همراه: ۰۹۱۵۵۲۸۰۱۷
مرکز پخش انتشارات طاهریان: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶،
طبقه چهارم، واحد ۱۱ تلفن: ۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای
بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین
شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً
عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست:

۵ خلاصه زندگی نامه فلورانس اسکاول شین

اثر اول فلورانس: بازی زندگی

۱۵ بازی

۲۵ قانون سعادت‌مندی و موفقیت

۳۵ قدرت کلمه

۴۷ قانون عدم مقاومت

۵۹ قوانین مؤثر در سرنوشت و قوانین بخشندگی

۷۱ توکل و امید تأثیرات ضمیر ناخودآگاه

۸۳ عشق

۹۵ شهود یا هدایت

۱۰۷ خودپنداری و خود تغییری زیبا با تبت ال‌بی

۱۲۱ انکار و اثبات

اثر دوم فلورانس: گفتار شما چوب جادویی‌تان است

۱۳۵ قدرت درون هر کس در زبان او نهفته است

۱۷۳ افکار محدود کننده و شکست دهنده

۱۸۱ نتیجه‌گیری

اثر سوم فلورانس: درهای اسرار آمیز موفقیت

۱۸۵ درهای اسرار آمیز موفقیت برای زنان

۱۹۵ زحمت بی‌مزد و پاداش

۲۰۳ نیمی از مردم هوشیارند

۲۱۱ چه توقعی دارید؟

۲۱۵ دستان توانای خداوند

۲۲۳ جاده‌های فرعی

۲۳۱ عبور از دریای پرتلاطم

۲۳۵ مراقبی هوشیار

۲۴۱ راهی برای وفور نعمت

۲۴۷ هرگز نمی‌خواهم

۲۵۳ با تعجب نگاه کنید

۲۵۹ صلاح‌تان را از خداوند بخواهید

۲۶۳ چشمه‌ای در بیابان

اثر چهارم فلورانس: نشو و نما

۲۷۱ سفید برفی و هفت کوتوله

۲۷۵ قدرت درک آنچه که خداوند بر ایمان نمی‌خواهد

۲۸۱ به شما قدرت و توان می‌دهم

۲۸۹ قوی باشید و از چیزی نهراسید

۲۹۵ جلال خداوند

۲۹۹ آرامش و کامیابی

۳۰۳ فرصت بزرگ شما

۳۰۷ هرگز مضطرب نشوید

۳۱۱ شهامت

۳۱۵ پیروزی و تکامل

خلاصه از زندگینامه فلورانس

اسکاول شین



Florence Scovel Shinn
An Early Influence of
Louise Hay

فلورانس اسکاول شین در ۲۴ سپتامبر سال ۱۸۷۱ در کامدن نیوجرسی به دنیا آمد. مادرش، امیلی هاپکینسون در پنسیلوانیا و پدرش آلدن کورت لنت اسکاول با خانواده بسیار پرجمعیتی در نیوآستردام نیوجرسی زندگی می‌کردند. چند سال پس از ازدواج آنها فلورانس به دنیا آمد و پس از گذشت چند سال دیگر او صاحب برادر شد.

با وجود شخصیت‌های مهم دولتی در خانواده مادری فلورانس، او مورد توجه آمریکایی‌های بسیاری قرار گرفت و در میان آنها به بهترین شکل می‌درخشید. پدر بزرگ مادرش یکی از رهبران سیاسی و عضو کنگره شورای تصمیم‌گیری مواضع قاره‌ای و استقلال بخش‌های خاص کشوری بود. دایی او نیز که جایگاه ویژه‌ای در کشور داشت، نقش به سزایی در طراحی پرچم آمریکا از خود نشان داد و پسرش جوزف، هم به خاطر شخصیت وطن پرست خود شعر «درو بر کلمبیا» را سرود. جوزف پس از چند سال توانست به عضویت یکی از کنگره‌های دولت فدرال درآید و پس از مدتی هم به

عنوان رئیس مرکز هنرهای تجسمی در پنسیلوانیا منصوب گردد. مادر بزرگ فلورانس، آنا، نیز یکی از شخصیت‌های برجسته در فیلادلفیا بود که هم اکنون باید یاد و خاطره او را نیز گرامی داشت. با مروری بر زندگی فلورانس متوجه می‌شویم که او به عنوان یک دختر بچه کوچک قادر بود نقاشی‌های زیبایی بکشد و حتی برای طراحان لباس، طرح‌های زیبایی طراحی کند. او آنقدر ماهرانه نقاشی می‌کرد که در گوشه نقاشی‌هایش نام خود را نیز می‌نوشت و امضایی گوشه‌اش می‌زد. طوری که هرکس نقاشی او را می‌دید تصور می‌کرد که توسط نقاش بزرگ و حرفه‌ای کشیده شده است نه یک دختر بچه کوچک.

سرانجام در سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۷ فلورانس تصمیم گرفت که در مرکز هنرهای تجسمی در پنسیلوانیا تحت آموزش‌های حرفه‌ای قرار بگیرد. در آنجا او با همسر خود، اورت شین آشنا شد. او نیز نقاش بسیار بسیار ماهری بود که اغلب در جشنواره‌های نقاشی شرکت می‌کرد و گالری‌های نقاشی خود را در معرض دید همگان قرار می‌داد. ایرا گلکنز نیز کسی بود که از این زوج جوان به شدت حمایت می‌نمود و آنها را مورد تشویق قرار می‌داد. ایرا درباره فلورانس و همسرش اورت چنین می‌گفت:

فلورانس به یک خانواده متوسط و ساده تعلق دارلمح- روح بلند او در نقاشی‌ها و گفتارش به آسانی قابل مشاهده است. او نه تنها من، بلکه تمامی شخصیت‌های بزرگ را نیز مسحور سخنان جذاب و شیرین خود کرده و اعتقاداتش در علم متافیزیکی و ماورایی بسیار

تحسین برانگیز است. عجب نیست که اِورت می‌گوید: من از کودکی مجذوب نقاشی‌های فلورانس شده‌ام و اعتقادات خاص او در زمینه علوم ماورایی و غیرطبیعی را با عمق جان پذیرفته‌ام. کاملاً واضح است که من او را از همان دوران کودکی‌اش برای ازدواج انتخاب کردم. اِورت می‌گفت: اگرچه فلورانس از نظر شأن و منزلت خانوادگی در جایگاه بالایی قرار داشت اما در میان تمامی افراد خانواده‌اش مانند نگین الماس می‌درخشید و نظر همگان را به خود جلب می‌کرد. طوری که من درباره او به اعتماد و اطمینان قلبی رسیدم.



مدتی پس از به اتمام رسیدن آموزش‌های فلورانس در مرکز هنرهای تجسمی پنسیلوانیا او با اِورت ازدواج کرد و آن دو زندگی را باهم آغاز نمودند.

در سال ۱۹۰۸ اِورت گروهی از نقاشان آمریکایی را دور خود جمع کرد و گروهی به نام «هشت» را بوجود آورد. او خودش جوان‌ترین عضو گروه بود و پس از گذشت سال‌ها فعالیت، مسئولیت آن گروه را به فلورانس سپرد و خودش از آن خارج شد. فلورانس هم با شخصیت و هنرهای درونی برجسته خود توانست ارزش و اعتبار گروه «هشت» را به بالاترین حد برساند و هنرهای واقعی در دنیا را برای همگان آشکار سازد.

پس از مدتی فلورانس و اِورت به نیویورک رفتند و در آنجا نه تنها در طراحی و نقاشی طرح‌های مربوط به تئاتر با یکدیگر همکاری کردند، بلکه تصمیم گرفتند که در جهت ساخت سالن تئاتر در پشت

استودیوی اطراف میدان واشنگتن در خیابان ویورلی ۱۱۲ نیز اقداماتی انجام دهند. پس از ساخت سالن تئاتر، اُورت شروع کرد به نگارش سه نمایشنامه بسیار جالب و زیبا که در هریک از آنها فلورانس مهم‌ترین نقش را بر عهده داشت.

با آماده شدن نمایش‌ها، فلورانس هم در نقاشی‌هایی که می‌کشید و هم در نقش‌هایی که در تئاتر بازی می‌کرد، بسیار معروف شد. او حتی به خاطر توانایی‌های دیگرش اغلب توسط مؤسسات و کنگره‌ها به جاهای مختلف دعوت می‌شد و همه از او می‌خواستند که دربارهٔ اعتقادات و نگرش‌هایش مربوط به موفقیت‌ها توضیح دهد. بنابراین، با نام «فلوسی» میان همه معروف شد.

تا قبل از جنگ جهانی اول، فلورانس مطالبی مربوط به کتاب‌های ادبیات کودکان نوشت و نقاشی‌هایی می‌کشید. اما از آن پس او در کنار نقاشی‌هایش نام خود را به شکل فلورانس اسکاول‌ش می‌نوشت و کسی نمی‌دانست که چرا او نام همسر خود را از کنار نامش حذف کرده است. برخی‌ها می‌گفتند که چون فلورانس از آن به بعد عقاید فمینیسمی پیدا کرده است، تصمیم گرفت که نام همسر خود را از کنار نامش پاک کند و بیشتر به حق و حقوق زنان رسیدگی کند و اعتقادات خود را به واضح‌ترین شکل به همه نشان دهد.

در سال ۱۹۱۲ پس از چهارده سال زندگی مشترک، اُورت تصمیم گرفت که از فلورانس جدا شود. ایرا گلکتر می‌گفت: «فلوسی کوچک»، بهتر است مدتی صبر کنی و دوباره روابطت را از نو تقویت کنی. می‌دانم که با اعتقادات تازه‌ات محال است دوباره بتوانی همانند قبل

به زیباترین شکل نقاشی بکشی، اما بیشتر می‌دانم که تو در اعتقادات مذهبی‌ات همتا و همانندی نداری و برترین هستی. اعتقادات مذهبی تو، روزی تو را به موفقیت می‌رسانند و سربلندت می‌کنند.

فلورانس با اینکه چنین چیزهایی از دیگران می‌شنید، تصمیم گرفت که اعتقادات مذهبی خود را بیش از پیش تقویت کند و کتاب‌های مختلفی بنویسد. او اولین اثر خود را در کوتاه‌ترین مدت نوشت اما اجازه نداد که دیگران موفق شوند آن را به چاپ برسانند. سرانجام او در سال ۱۹۲۵ تمامی نوشته‌های خود را که تمامی اعتقادات درونی‌اش را بیان می‌کردند، چاپ کرد و به شهرت جهانی غیرقابل وصفی دست یافت. گلکنز در این باره گفت:

در آپارتمان بزرگ اجاره‌ای در خیابان پنجم در نزدیکی پارک مرکزی، اُرت دوباره می‌خواست با فلورانس ملاقات کند. چون او تصور می‌کرد که فلورانس فرصت دوباره زندگی کردن را به او می‌دهد. (آن روزها اُرت شین سه بار فلورانس را تنها گذاشت و دوباره خواستار زندگی مجدد با او شد.) با این وجود، فلورانس به او گفت: این بار هم فرصت تازه‌ای است، اما اُرت پس از کمی تعلل، به طور کامل از او جدا شد.

با رفتن اُرت، فلورانس با شرایط تازه‌ای در زندگی‌اش مواجه شد و تصمیم گرفت به عنوان یک سخنران و معلم علم متافیزیکی در میان مردم ظاهر شود. از آن پس او تصمیم گرفت که به نگارش کتاب‌های خود ادامه دهد. بنابراین در سال ۱۹۲۸ اولین بخش کتاب او آماده شد. او همچنین کتاب‌های «گفته شما چوب جادویتان است» و

«درهای اسرارآمیز موفقیت» را نوشت و کمی پس از مرگش در سال ۱۹۴۰ به چاپ رسیدند. در این دو کتاب خلاصه‌ای از تمامی سخنرانی‌های او به چشم می‌خورند و در نهایت کتاب آخر او به نام «قدرت کلام» در سال ۱۹۴۵ چاپ شد و در محل نیویورک یونیتی، جایی که او سخنرانی‌ها و کلاس‌های آموزشی خود را برگزار می‌کرد، به فروش رسید.

چندی بعد، ارنست ویلسون، مسئول برگزاری کلاس‌های فلورانس دربارهٔ او چنین گفت:

فلورانس در اینجا فقط سخنرانی نمی‌کرد، بلکه خود را مسئولی می‌دانست که باید به سؤالات همهٔ شاگردان و افرادی که در سخنرانی‌ها حاضر می‌شدند، پاسخ دهد. او قدرت بی‌نهایتی از عشق و محبت به هم‌نوع درون خود داشت. او در اکثر زمان‌ها مطالب موجود در کتاب‌های خود را در کلاس‌ها مطرح می‌کرد و افراد را با افکار جدید آشنا می‌گرداند. او هرگز توقع و شکایتی نداشته و من او را به خاطر داشتن رفتار و گفتارش تحسین می‌کنم.

هرمن وال هورن در سرگذشت امت فاکس خوانده که خانم فلورانس اسکاول شین با سخنرانی‌های بسیار جالب و جذابش نظر همگان را به خود جلب کرده و می‌توان گفت که تقریباً تمامی مردم با اعتقادات او در زمینهٔ علوم متافیزیکی به طور کامل آشنا شده‌اند.

امت فاکس پس از ورودش به آمریکا از طرف خانم اسکاول شین دعوت شد. در واقع فلورانس از او می‌خواست که در سخنرانی‌هایش ابتدا امت فاکس صحبت کند. با وجود اینکه امت فاکس در مقابل

فلورانس حرفی برای گفتن نداشت، پذیرفت، اما پس از ظاهر شدن روی سن، یکایک حاضران بلند شدند و از سالن بیرون رفتند. همان لحظه بود که امت فاکس به قدرت کلامی جادویی فلورانس پی برد و او را برتر از خود یافت.

اما درباره فلورانس می‌گفت:

یکی از موفقیت‌های بی‌نظیر فلورانس این است که او همیشه خودش است. خوش معاشرت، غیررسمی، صمیمی و شوخ طبع. او پیام‌های معنوی و ماورایی بسیاری دارد و با سخنان دلنشین خود در قلب افراد بسیاری برای خود جاباز کرده است. اگرچه اعتقادات و گفته‌های او در پسِ موضوعات بسیار مبهمی پنهان هستند، اما واقعا تأثیرگذار می‌باشند و مثال‌های بارز زندگی روزمره همه جهانیانند. اگرچه او هرگز نتوانست از یک غنچه بسیار زیبا به یک گل خوشبو تبدیل شود و دنیا را با عطر دل‌انگیز خود پر کند، اما یاد و نامش در قلب‌ها و زبان‌ها باقی می‌ماند. همانگونه که او در کتاب «بازی زندگی» تمامی موضوعات مربوط به موفقیت را با زبان شیوا بیان کرده است.

ما نیز می‌دانیم که فلورانس اسکاول شین در آپارتمان‌اش در خیابان پنجم ۱۱۳۶ دیده از جهان فرو بست و در روز ۱۷ اکتبر سال ۱۹۴۰ در سن ۶۹ سالگی دقایقی قبل از ظهر به دیار باقی شتافت.

ایرا گلکنز می‌گفت:

روزی می‌آید که فلسفی در یکی از اتاق‌های خانه‌اش از دنیا می‌رود، اما راز و رمزهای کلام او همیشه در جهان ابدی و جاودان می‌شوند.

روزی تمام وسایل‌های خانه او به فروش می‌رسند. از فرش‌ها و قالیچه‌های روی زمین گرفته تا نقاشی‌های بسیار زیبای روی دیوار. اگر چه کسی در زمان حیات فلورانس قدر او را آنطور که شایسته‌اش بود ندانست، اما این روزها همه به نیکی نام او را می‌برند و نقاشی‌ها و نوشته‌هایش در کتابخانه کنگره هنر نگهداری می‌شوند. اگرچه داستان زندگی فلورانس نیز با تلخی‌های بسیاری به پایان رسید، اما زندگی واقعی او سراسر از خنده و شادی و لذت بود. زیرا او تلاش می‌کرد که در بازی زندگی خود به زیبایی هر چه تمام‌تر نقش‌آفرینی کند و در آن برنده شود و واقعاً هم همین‌گونه شد.